

اطعام اقارب المتوفى للحداد؛ (تحليل مباني و آراء علماء اهل السنة)

رضا اسفنديارى (اسلامى)*

محمدجواد حاجى ابوالقاسم دولابى**

[تاريخ الاستلام ١٣٩٩/٠٢/١٥ تاريخ القبول ١٣٩٩/٠٥/٣٠ هـ ش]

ملخص القول

تتعهد هذه المقالة استعراض حكم اطعام الحداد و الحاضرين فى مجلس العزا بيد اقرباء المتوفى. اكثر علماء السلفية ذهبوا الى التحريم فى هذه المسألة و الآخرون من اهل السنة الى الجواز (الاباحة او الكراهة).

و يُحَلُّ هذه المسألة بتحليل روايات اهل السنة فى هذا المكتوب لاثبات موافقتها مع رواياتهم و فى النهاية يُثَبَّت ان الروايات المعتبرة لاهل السنة يدل على جواز اطعام الحداد و ربما هذا العمل كان حسن موافقاً لمضمون بعضها.

كلمات مفتاحية: اطعام، الحداد، مذاهب الفقهية، تغذية.

* الاستاذ المشارك لعلوم المرتبطة بالفقه، معهد العلوم و الثقافة الاسلامية.

** طالب دكتوراه لفرع المذاهب الفقهية، جامعة الاديان و المذاهب (الكاتب المسئول)

sh.javadabolghasemi@gmail.com

اطعام عزاداران به دست بستگان میت: بررسی مبانی و آرای علمای اهل سنت

رضا اسفندیاری (اسلامی)*

محمدجواد حاجی ابوالقاسم دولابی**

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۳۰]

چکیده

این مقاله عهده‌دار بررسی حکم فقهی اطعام عزاداران و حاضران در مراسم عزا به دست بستگان میت است. اغلب علمای سلفی در این مسئله فتوا به تحریم داده‌اند و دیگر علمای اهل سنت، اغلب فتوا به جواز (اباحه، استحباب یا کراهت) داده‌اند. در این نوشتار با بررسی روایات اهل سنت، این مسئله را برمی‌رسیم که کدام یک از این فتاوا با روایات معتبر اهل سنت سازگاری بیشتری دارد. در انتها ثابت می‌شود که روایات معتبر اهل سنت دال بر جواز اطعام عزاداران است و طبق مضمون برخی از آنها گاهی اطعام بهتر است.

کلیدواژه‌ها: اطعام، عزاداری، مذاهب فقهی، غذادادن.

* دانشیار گروه دانش‌های وابسته به فقه، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

** دانشجوی دکتری مذاهب فقهی، دانشگاه ادیان و مذاهب. (نویسنده مسئول)

Sh.javadabolghasemi@gmail.com

مقدمه

یکی از مسائل مهمی که بین سلفیان و سایر اهل سنت در باب آن اختلاف شده است، مسئله اطعام عزاداران به دست بستگان میت است. البته موضوع این بحث، نمونه‌هایی است که به دلیل مسائل عارضی، حکم آن تحریم نباشد؛ مثل اینکه شخص از اموال قاصران و ایتام میت، بدون اجازه ولی آنها و بدون رعایت مصلحت اطعام کند. در این زمینه بسیاری از علمای اهل سنت فتوا به استحباب داده‌اند؛ طحاوی به نقل از محمد بن عبدالستار الکردی می‌نویسد: «روایت دلالت بر اباحه درست کردن غذا به دست بستگان میت و دعوت دیگران به آن دارد؛ بلکه در بزایه گفته است اگر غذایی برای فقرا درست کنند، نیکو است!»^۱

بسیاری از علمای اهل سنت این کار را مباح دانسته‌اند؛ اداره افتای امارات تابع اوقاف امارات در این زمینه می‌نویسد:

اگر مقصود بستگان میت از اطعام، صدقه‌دادن و احسان از طرف میت و نیز جمع کردن اهل خیر برای میت باشد، این کار اشکال ندارد ... و به‌ویژه اگر این اطعام از ریا و فخرفروشی و مباهاات خارج شود، کراهت نخواهد داشت؛ زیرا احکامی که علت دارند، در وجود و عدم خویش تابع علت‌اند؛ بسیاری از علما تصریح کرده‌اند که علت حکم ذکرشده، یعنی کراهت اطعام، همان شبهه بروز ریا و خودبزرگ‌بینی است.^۲

شیخ علی جمعه، مفتی سابق مصر، در جواب فتوایی که از وی درباره اطعام در مراسم عزاداری برای اکرام حاضران پرسیده شده، می‌نویسد: «هیچ مانع شرعی از برگزاری چنین مراسمی و خوردن از غذای آن وجود ندارد ... به این شرط که این مراسم سبب تجدید حزن اهل میت نشده و از مال افراد قاصر نباشد».^۳ دوانی نیز

۱. طحاوی، أحمد بن محمد، حاشیة الطحاوی علی مراقی الفلاح، ج ۱، ص ۴۱۰.

۲. اداره افتای امارات، ۱۰ ژوئای ۲۰۰۹، ۶۲۳۱.

۳. اداره افتای مصر، ۹ ژانویه ۲۰۰۸، ۱۶۷.

می‌نویسد: «و اما آن غذاهایی که بستگان میت درست کرده و مردم را به آن دعوت می‌کنند، اگر برای قرائت قرآن و شبیه آن باشد که خیرش به میت می‌رسد، هیچ اشکالی ندارد».^۱

گروه دیگری از علما فتوا به کراهت داده‌اند؛ در این زمینه در *الموسوعة الفقهية الكبرى* آمده است: «احکام مربوط به اطعام در عزاداری: اطعام در عزاداری یا از جانب بستگان میت است، یا از جانب غیر آنها؛ اما اگر از بستگان میت باشد، فقهای حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی فتوا داده‌اند که چنین کاری مکروه است».^۲ اغلب علمای وهابی نیز فتوا به تحریم داده‌اند؛ در این زمینه شورای افتای عربستان می‌نویسد: «جایز نیست بستگان میت غذا درست کنند، چه از مال ورثه باشد، چه از ثلث متوفا باشد، یا از مال شخصی که به آنها رسیده است؛ زیرا این خلاف سنت رسول خدا ﷺ است».^۳

حال که دیدگاه‌های مختلف در این زمینه مشخص شد، ادله مطرح‌شده هر کدام از دو طرف را بررسی می‌کنیم:

۱. روایات دال بر جواز

در این زمینه روایات فراوانی در جواز این کار با اسناد متعدد وجود دارد:

الف. اطعام مردم در عزای عمر بن خطاب

از جمله این روایات، روایتی است که می‌گوید وقتی عمر از دنیا رفت، مردم را به صورت عمومی اطعام کردند؛ در این زمینه هیثمی در *مجمع الزوائد* می‌نویسد:

از احنف بن قیس روایت شده است که گفت: «وقتی عمر بن خطاب می‌گفت: هیچ‌گاه نمی‌شود که یکی از مردان قریش از دری وارد شود، جز اینکه گروهی از مردم همراه او وارد می‌شوند!» من این را شنیدم ولی معنای سخنان او را نفهمیدم، تا اینکه خود او چاقو خورد و به صهیب دستور داد که برای مردم

۱. دوانی، أحمد بن غنیم، *الفواکه*، ج ۱، ص ۲۸۵.

۲. وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية الكويت، *الموسوعة الفقهية الكويتية*، ج ۴، ص ۴۴.

۳. اللجنة الدائمة للبحوث العلمية والافتاء في السعودية، *فتاوى اللجنة الدائمة*، ج ۹، ص ۱۴۹.

نماز بخواند و غذا بگذارند تا به مشورت بنشینند ... وقتی مردم از تشییع جنازه عمر بازگشتند، گرسنه بودند. پس برای آنها غذا گذاشته شد. ولی مردم از غصه‌ای که داشتند چیزی نمی‌خوردند؛ عباس بن عبدالمطلب آمد و گفت: ای مردم! پیامبر از دنیا رفت و بعد از ایشان ما، هم خوردیم هم نوشیدیم؛ ابوبکر نیز از دنیا رفت و ما خوردیم و نوشیدیم. ای مردم! از این غذا بخورید، پس دست خود را (به سمت غذا) دراز کرد و مردم نیز چنین کردند و خوردند ... در سند روایت علی بن زید است و حدیث او نیکو است؛ و باقی راویان این روایت، از روات صحیح هستند»^۱.

ابن سعد این روایت را در طبقات به این صورت آورده است که: «و به صهیب دستور داد که برای مردم، بعد از مردن وی، غذا بپزد و آنها را اطعام کند»^۲. همان‌طور که متن روایت واضح است، کل مردم عزادار عمر و حاضران در تشییع جنازه وی به دستور خود او اطعام شده‌اند. این اطعام یا از بیت‌المال است که شرعاً جایز نیست برای عزای شخصی از بیت‌المال مسلمانان به عزاداران اطعام شود، یا از مال شخصی صهیب است که باز معنا ندارد شخصی را مأمور کنند که در عزای دیگری اطعام کند، یا از مال شخصی خود عمر است که به ورثه وی رسیده و در واقع اطعام از جانب ورثه عمر به حساب می‌آید. سند روایت نیز به گفته خود هیشمی که از متخصصان رجال اهل سنت به حساب می‌آید معتبر است.

ب. اطعام رسول خدا ﷺ به دست خانواده میت بعد از شرکت در تشییع

یکی دیگر از ادله جواز، روایت زیر است که خطیب تبریزی آن را در مشکاة المصابیح نقل کرده است:

از عاصم بن کلیب از پدرش از یکی از انصار روایت شده است که گفت: با رسول خدا ﷺ به تشییع جنازه یکی از انصار رفتیم ... وقتی حضرت از دفن

۱. هیشمی، علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد، ج ۵، ص ۱۹۵.

۲. ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری، ج ۴، ص ۲۹.

بازگشت، شخصی از طرف زن او حضرت را دعوت کرد؛ حضرت نیز اجابت کرد و ما نیز به همراه ایشان بودیم؛ غذا را آوردند و ایشان دست به غذا برد و دیگران نیز چنین کردند ... این روایت را ابوداود و بیهقی در *دلائل النبوة* آورده‌اند.^۱

طحاوی درباره این روایت می‌نویسد: «همچنین، نهی از اطعام، با روایتی در تعارض است که امام احمد و ابوداود با سند صحیح از عاصم بن کلب ... از یکی از انصار نقل کرده‌اند که گفت: با رسول خدا ﷺ به تشییع جنازه یکی از انصار رفتیم ...».^۲

ج. غذادادن در عزای خالد بن ولید

در این زمینه عینی شارح صحیح بخاری می‌نویسد:

موفق در انساب از محمد بن سلام روایت نقل کرده است که هیچ زنی از زنان بنی‌المغیره باقی نماند، جز اینکه سر خود را تراشید و موهای خود را بر قبر خالد ریخت؛ کنایه از اینکه جز تو مردی وجود ندارد که دیدن موی ما برای او حرام باشد؛ و گریبان چاک کردند و بر گونه خویش لطمه زدند و، بنوالمغیره که خاندان خالد بن ولید بودند، غذا دادند و عمر آنها را از این کار نهی نکرد.^۳

شبیه این مضمون را ابن‌عساکر در *تاریخ دمشق* آورده است.^۴ این روایت نیز صراحت در اطعام عزاداران دارد و عمر و دیگر صحابه نیز آنها را از این کار نهی نکرده‌اند. بنابراین، طبق مبنای اهل سنت، این روایت سیره عمومی صحابه را ثابت کرده و حجت است. از حیث بررسی سندی نیز، درست است که این روایت مرسل است، ولی به دلیل وجود اسناد صحیح دیگر، نیازی به اعتبار سند آن نیست و می‌تواند مؤید به حساب آید.

۱. خطیب تبریزی، محمد بن عبدالله، *مشکاة المصابیح*، ج ۳، ص ۱۶۷۲.

۲. طحاوی، أحمد بن محمد، *حاشیة الطحاوی علی مراقی الفلاح*، ج ۱، ص ۴۱۰.

۳. عینی، بدر الدین محمود بن أحمد، *عمدة القاری*، ج ۸، ص ۸۳.

۴. ابن‌عساکر، علی بن الحسن، *تاریخ مدینة دمشق و ذکر فضلها و تسمیة من حلها من الأمثال*، ج ۱۶، ص ۲۷۷.

د. اطعام در وفات ابوذر

ابن‌اثیر در این زمینه می‌نگارد:

در این سال ابوذر از دنیا رفت؛ او به دخترش گفته بود که بین آیا کسی را می‌بینی یا خیر؛ پاسخ داد: نه! گفت: پس هنوز زمان وفات من نرسیده است! سپس دستور داد گوسفندی را ذبح کنند و بپزند و گفت: گروه صالحی برای دفن من خواهند آمد، وقتی کسانی که من را دفن می‌کنند به نزد تو آیند آنها را قسم بده و بگو ابوذر شما را قسم می‌دهد که تا قبل از اینکه سوار شوید غذا بخورید. وقتی غذا آماده شد به دخترش گفت: آیا کسی را می‌بینی؟ گفت: آری! گروهی می‌آیند ... او را غسل دادند و کفن کردند و بر وی نماز خواندند؛ دخترش به آنها گفت: ابوذر به شما سلام می‌رساند و شما را قسم می‌دهد که سوار نشوید مگر اینکه از این غذا بخورید.^۱

این روایت نیز به خوبی بیانگر آن است که صحابی بزرگواری مانند ابوذر که از نزدیک‌ترین افراد به رسول خدا ﷺ بوده است، خود برای کسانی که در عزای وی شرکت می‌کنند، دستور تهیه غذا می‌دهد. همچنین، از حیث بررسی سندی، این روایت نیز مرسل است، ولی به دلیل وجود اسناد صحیح دیگر، نیازی به اعتبار سند آن نیست و می‌تواند مؤید به حساب آید. جدای از اینکه ابن‌اثیر در ابتدای کتاب خود می‌گوید من روایاتی را برگزیدم که اسناد آنها معتبر باشد.

ه. اطعام در وفات زید بن ثابت از جانب خارجه پسر او

ذهبی در شرح حال وی می‌نویسد: «واقعی گفته است وقتی زنان برای زید بن ثابت عزاداری کردند، مروان چند شتر برای آنها فرستاد. آنها را قربانی کردند و به عزاداران دادند».^۲ شبیه همین روایت به صورت کامل‌تر در تاریخ دمشق آمده است:^۳

۱. الشیبانی (ابن‌اثیر)، علی بن محمد، الکامل فی التاریخ، ج ۳، ص ۲۷.

۲. ذهبی، محمد بن أحمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، ج ۲، ص ۴۴۰.

۳. ابن‌عساکر، علی بن الحسن، تاریخ مدینة دمشق و ذکر فضلها و تسمیة من حلها من الأمثال، ج ۱۹، ص ۳۳۶.

خارجه پسر زید گفت وقتی پدرم زید بن ثابت از دنیا رفت، انصار آمدند و گفتند او را روز دفن کنید تا مردم برای دفن او جمع شوند؛ مروان سر و صدا را شنید و خود نیز آمد ... بعد از طلوع خورشید مروان بر او نماز خواند و چند شتر فرستاد که قربانی شدند و ما مردم را با آنها اطعام کردیم.

این روایت نیز مرسل است و واقدی در سند آن است، ولی ارسال یا ضعف واقدی در روایت، مانع از قبول آن نیست، زیرا همان‌طور که در روایات قبل گذشت، وجود چند سند صحیح در این مضمون، ما را از بررسی سندی سایر روایات بی‌نیاز می‌کند و آنها فقط به عنوان مؤید به کار می‌روند.

جمع‌بندی روایات جواز

این روایات که بسیاری از آنها با سند صحیح در کتب اهل سنت آمده، به‌خوبی بیانگر جواز اطعام عزاداران به صورت عمومی (و نه فقط خانواده میت) است؛ حال چه این اطعام به دست بستگان وی صورت گرفته باشد، همان‌طور که در روایت وفات ابوذر یا عمر یا وفات صحابی و دعوت رسول خدا ﷺ به تشییع وی گذشت، یا به دست دیگران، مانند روایت وفات خالد بن ولید یا زید بن ثابت.

۲. مدارک تحریم

مدعیان تحریم، روایاتی را به عنوان مدرک فتوای خویش شاهد آورده‌اند که آنها را بیان می‌کنیم:

الف. رسول خدا ﷺ: پختن غذا در عزاداری از سنت‌های جاهلیت است

در این زمینه ابن‌سلام در کتاب خود می‌نویسد: «رسول خدا ﷺ فرمود: سه چیز از سنت‌های جاهلی است؛ نوحه‌خوانی؛ غذا دادن و اینکه زنی از غیر اهل بیت میت، شب را در خانه ایشان بماند».^۱ این روایت مرسل است و هیچ سندی برای آن نقل نشده است.

۱. ابن‌سلام الهروی البغدادی، قاسم، الايمان، ج ۱، ص ۹۰.

ب. پیامبر ﷺ و نهی از اطعام مردم در وفات

یکی از روایاتی که در این زمینه به آن استناد شده، روایتی است که ابوطاهر سلفی نقل کرده است:

ابوهریره و جابر بن عبدالله و عمران بن حصین و عبدالله بن عمر و عبدالله بن عمرو بن العاص و معقل بن یسار مزنی همگی از پیامبر ﷺ روایت کردند که از اطعام مردم (در عزای) میت نهی کرد، و همچنین از غذاخوردن در عزای کسی، همچنین از فرستادن غذا به نزد بستگان میت!^۱

ولی این روایت نیز از جهت سندی اعتبار ندارد؛ عسقلانی در باب سند این روایت می‌نویسد:

این روایت را نووی در شرح مذهب باطل دانسته است، ابن‌صلاح گفته است این روایت ضعیف است و در کتاب مناهی (ابوطاهر) آمده است ... من می‌گویم کتاب مناهی این روایت را از عباد بن کثیر از عثمان اعرج از حسن از هفت نفر از صحابه از جمله ابوهریره و جابر و عبدالله بن عمر و عمران بن حصین و ... نقل کرده است و این روایت، روایت باطلی است که اصل ندارد و از جعلیات عباد است.^۲

همچنین، در متن این روایت از فرستادن غذا برای خانواده میت نهی شده است که به اجماع مسلمانان جایز است!

ج. کلام جریر یا نقل از عمر: طعام‌دادن در عزا نوعی نوحه‌گری است

ابن‌ابی‌شیه از جریر بن عبدالله چنین روایت می‌کند که: «جریر بر عمر وارد شد و گفت: آیا در منطقه شما بر میت نوحه‌سرایی می‌کنند؟ گفت: خیر! گفت: آیا زنان گرد میت گرد می‌آیند و غذا داده می‌شوند؟ پاسخ داد: آری! عمر گفت: این نوحه‌گری

۱. ابو طاهر سلفی، أحمد بن محمد، المشیخة البغدادیة، ج ۱۹، ص ۲۳.

۲. ابن حجر عسقلانی، أحمد بن علی، تلخیص الحبیر فی تخریج أحادیث الرافعی الکبیر، ج ۱، ص ۳۰۲.

است!». ^۱ شبیه همین روایت بدون سند به سنن سعید بن منصور نسبت داده شده، ولی در کتاب فعلی چنین عبارتی موجود نیست؛ ^۲ و در روایاتی دیگر این مضمون از خود جریر به صورت مستقیم نقل شده است؛ در سنن ابن ماجه از وی نقل شده است که می‌گفت: «ما جمع شدن نزد بستگان میت و غذا درست کردن را از نوحه‌گری می‌دانستیم». ^۳

احمد بن حنبل نیز در مسند می‌نویسد: «ما جمع شدن نزد بستگان میت و غذا درست کردن بعد از دفن میت را از نوحه‌گری می‌دانستیم». ^۴ اما خود احمد در باب این حدیث می‌گوید: «حدیث جریر که جمع شدن نزد بستگان میت و غذا درست کردن آنها ریشه در جاهلیت داشت ... هیچ اصلی برای این روایت نمی‌بینم (کنایه از باطل بودن روایت)». ^۵ دارقطنی نیز این روایت را مضطرب می‌شمرد. ^۶

د. ابوالبختری (سعید بن فیروز): طعام دادن در عزا از امور جاهلی است!

ابن ابی شیبه روایت دیگری نقل می‌کند که به ابوالبختری تابعی می‌رسد، وی می‌گوید: «غذادادن در عزای میت از امور جاهلی است؛ و نوحه‌گری [هم] از امور جاهلی است». ^۷ در سند این روایت هلال بن خباب است که ابن حجر عسقلانی درباره وی می‌نویسد: «ابن حبان او را در ضعفا آورده و گفته است در آخر عمر دیوانه شد، و از روی توهّم روایات را نقل می‌کرد ... ساجی و عقیلی نیز گفته‌اند در حدیث وی وهم وجود دارد». ^۸

۱. ابن ابی شیبه، عبدالله بن محمد، المصنف، ج ۲، ص ۴۸۷.

۲. منبجی حنبلی، ابی عبدالله محمد بن محمد، تسلیة أهل المصائب، ج ۱، ص ۱۱۲.

۳. ابن ماجه قزوینی، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۵۱۴.

۴. ابن حنبل، أحمد، مسند أحمد بن حنبل، ج ۲، ص ۲۰۴.

۵. سجستانی، سلیمان بن الأشعث، مسائل الامام أحمد، ج ۱، ص ۳۸۴.

۶. دارقطنی، علی بن عمر، العلل الواردة فی الأحادیث النبویة، ج ۱۳، ص ۴۶۲.

۷. ابن ابی شیبه، عبدالله بن محمد، المصنف، ج ۲، ص ۴۸۷.

۸. ابن حجر عسقلانی، احمد ابن علی، تهذیب التهذیب، ج ۱۱، ص ۶۸.

ه. سعید بن جبیر: سه چیز از کارهای جاهلی است: ... و اطعام بعد از موت

عبدالرزاق در مصنف خود از وی چنین نقل می‌کند که گفت: «سه چیز از کارهای جاهلی است، نوحه‌گری، غذا دادن بعد از وفات میت، و بیتوته کردن زنی که از اهل بیت میت نیست، در نزد آنها».^۱ در سند این روایت نیز لیث بن ابی سلیم است که ذهبی درباره او می‌نویسد: «احمد گفته است وی مضطرب‌الحديث است، یحیی و نسائی او را ضعیف می‌دانند ... از یحیی بن سعید نقل شده است که در قبال هیچ کس به اندازه لیث نظر بد نداشت! و لیث را از عطاء بن سائب ضعیف‌تر می‌دانست».^۲

و. عمر بن عبدالعزیز: مصیبت ببینید و بدهکار هم بشوید؟!۱

ابن ابی شیبہ نیز با سند زیر از عمر بن عبدالعزیز روایت می‌کند که گفت: «معن بن عیسی برای ما از ثابت بن قیس روایت کرد که گفت: عمر بن عبدالعزیز را دیدم که نمی‌گذاشت بستگان میت، تجمع بگیرند و می‌گفت: هم مصیبت ببینید و هم بدهکار شوید؟!».^۳ در سند این روایت نیز ثابت بن قیس است که جرجانی وی را در کتاب ضعفای خود آورده و درباره وی می‌نویسد: «حدیث او قوی نیست».^۴ جدای از اینکه این روایت، حتی بر فرض صحت، نمی‌تواند مبنای حکم فقهی باشد. زیرا سخنان و اجتهاد عمر بن عبدالعزیز در نظر اهل سنت حجت نیست، مگر اینکه ادعا شود سخن وی اشاره به مبنای اجتهاد وی است و در فرضی که استحسان را بپذیریم، گفتار وی ارشاد به اجتهادی استحسانی است.

جمع‌بندی روایات تحریم

هیچ‌یک از این روایات سند معتبری ندارد و به همین دلیل در مقابل روایات جواز یا استحباب قابلیت مقابله و تعارض ندارد. البته با وجود صحت‌نداشتن این روایات، در

۱. الصنعانی، أبو بکر عبدالرزاق بن همام، مصنف عبدالرزاق، ج ۳، ص ۵۵۰.

۲. ذهبی، محمد بن أحمد، سیر أعلام النبلاء، ج ۵، ص ۵۰۹.

۳. ابن ابی شیبہ، عبدالله بن محمد، المصنف، ج ۲، ص ۴۸۷.

۴. جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی ضعف الرجال، ج ۲، ص ۹۱.

صورتی که از روایات جواز، استحباب یا اباحه (به معنای اخص) ثابت نشود و ادعا شود که دلالت بر اباحه به معنای اعم دارند، ممکن است ادعا شود که جمع آنها با این روایات (هرچند ضعیف‌السند هستند) از باب تسامح در مدارک آنها موجب حکم به کراهت می‌شود که فتوای بسیاری از علمای اهل سنت نیز چنین بود. همان‌طور که در منابع بسیاری از آنها در باب کراهت، همین روایات آمده است.

۳. روایاتی که به اشتباه مدرک تحریم دانسته شده است!

در این میان روایاتی وجود دارد که بعضی از علما به اشتباه آنها را به عنوان مدرک تحریم بیان کرده‌اند، ولی وقتی آنها را بررسی دلالتی می‌کنیم، ربطی به غذا دادن در عزای میت ندارند.

الف. سعید بن جبیر: نحر شتر در مصیبت از امور جاهلی است!

ابن ابی شیبہ روایت دیگری از سعید بن جبیر آورده که می‌گوید: «سه چیز از امور جاهلی است، ... و قربانی کردن شتران در هنگام مصیبت».^۱ در سند روایت فضالة بن حصین است که بخاری او را در تاریخ خود مضطرب‌الحديث می‌داند.^۲ همچنین، این روایت اشاره به یکی از سنن جاهلی دارد که وقتی شخص کربمی از دنیا می‌رفت، در کنار قبر او شتران را قربانی می‌کردند و گوشت آن را بر کنار قبر او می‌ریختند و می‌گفتند او در زمان حیات خود برای مهمان‌ها قربانی می‌کرد و حال باید بعد از مردن، برای او جبران کنیم؛ و این گوشت‌ها را حیوانات و درندگان می‌خوردند.^۳ ولی با وجود اینکه متن این روایت، مربوط به اطعام بر میت نیست، ابن ابی شیبہ آن را در باب «آنچه درباره اطعام بر میت گفته‌اند»^۴ آورده است!

۱. ابن ابی شیبہ، عبدالله بن محمد، المصنف، ج ۲، ص ۴۸۷.

۲. بخاری، محمد بن اسماعیل، التاريخ الكبير، ج ۷، ص ۱۲۵.

۳. طحاوی، أحمد بن محمد، حاشية الطحاوی علی مراقی الفلاح، ج ۱، ص ۴۱۰.

۴. ابن ابی شیبہ، عبدالله بن محمد، المصنف، ج ۲، ص ۴۸۷.

ب. جریر بن عبدالله: تعدید میت از نوحه‌گری است!

طبرانی روایتی را از قیس بن ابی‌حازم از جریر بن عبدالله صحابی نقل می‌کند که گفت: «آیا میت را تعدید می‌کنند؟ گفتیم: آری! گفت: ما این را نوحه‌گری می‌دانستیم!»^۱ تعدید میت که در این روایت آمده است، در لغت به معنای شمردن صفات و مناقب میت است، و ربطی به آماده‌سازی چیزی برای میت ندارد!^۲ ولی در بعضی از پایگاه‌های مجازی وهابی از جمله «شبكة سحاب السلفية» یکی از سلفیان با نام «أبو أنس الفاید ملیحان بن مرهج بن ملیحان العونی الأثری» این روایت را به عنوان تخریج روایت «حرمت اطعام در عزاداری» بیان کرده است!^۳

نتیجه

از بررسی این روایت چنین به دست آمد که روایات متعددی با اسناد معتبر و از رسول خدا ﷺ و صحابه ایشان وجود دارد که جواز اطعام عزاداران به دست بستگان و اطرافیان میت را ثابت می‌کند؛ همچنین، روایاتی که برای نهی از این مطلب بیان شده بود، همگی ضعف سندی دارد و بعضی از آنها نیز دلالت بر مدعا ندارد. اما به دلیل کنارنگداشتن همین روایات ضعیف‌السند است که بسیاری از علمای اهل سنت فتوا به کراهت داده‌اند.

۱. طبرانی، سلیمان بن أحمد، المعجم الکبیر، ج ۲، ص ۳۰۷.

۲. مجمع اللغة العربية بالقاهرة، المعجم الوسیط، ج ۲، ص ۵۸۷.

۳. شبکه سحاب السلفية، ۲۰۰۴/۰۳/۱۰، در: www.sahab.net.

منابع

ابن أبی شیبة، عبد الله بن محمد (١٤٠٩). المصنف، تحقیق: کمال یوسف الحوت، ریاض: مكتبة الرشد، الطبعة الأولى.

ابن حجر عسقلانی، أحمد بن علی (١٤٠٤). تهذیب التهذیب، بیروت: دار الفكر، الطبعة الأولى.

ابن حجر عسقلانی، أحمد بن علی (١٤١٩). تلخیص الحبیر فی تخريج أحادیث الرافعی الکبیر، بی جا: دار الکتب العلمیة، الطبعة الأولى.

ابن حنبل، أحمد (بی تا). مسند أحمد بن حنبل، مصر: مؤسسة قرطبة.

ابن سعد، محمد (بی تا). الطبقات الکبری، بیروت: دار صادر.

ابن سلام الهروی البغدادی، قاسم (بی تا). الايمان، بی جا: بی نا.

ابن عساکر، علی بن الحسن (١٩٩٥). تاریخ مدینة دمشق و ذکر فضلها و تسمیة من حلها من الأمائل، تحقیق: محب الدین أبی سعید عمر بن غرامة العمری، بیروت: دار الفكر.

ابن ماجه قزوینی، محمد بن یزید (بی تا). سنن ابن ماجه، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقي، بیروت: دار الفكر.

أبو طاهر سلفی، أحمد بن محمد (بی تا). المشیخة البغدادیة، بی جا: بی نا.

اداره افتای امارات (١٠ ژولای ٢٠٠٩). در: www.awqaf.gov.ae

اداره افتای مصر (٩ ژانویه ٢٠٠٨). در: www.dar-alifta.org

بخاری، محمد بن إسماعیل (بی تا). التاريخ الکبیر، تحقیق: السید هاشم الندوی، بی جا: دار الفكر.

جرجانی، عبدالله بن عدی (١٤٠٩). الکامل فی ضعف الرجال، تحقیق: یحیی مختار غزاوی، بیروت: دار الفكر، الطبعة الثالثة.

خطیب تبریزی، محمد بن عبدالله (١٩٨٥). مشکاة المصابیح، تحقیق: محمد ناصر الدین الألبانی، بیروت: المکتب الاسلامی، الطبعة الثالثة.

دارقطنی، علی بن عمر (١٤٠٥). العلل الواردة فی الأحادیث النبویة، تحقیق: د. محفوظ الرحمن زین الله السلفی، ریاض: دار طيبة، الطبعة الأولى.

دوانی، أحمد بن غنیم (١٤١٥). الفواکه، بیروت: دار الفكر.

ذهبی، محمد بن أحمد (١٤١٣). سیر أعلام النبلاء، تحقیق: شعیب الأرناؤوط و محمد نعیم العرقسوسی، بیروت: مؤسسة الرسالة، الطبعة التاسعة.

ذهبی، محمد بن أحمد (١٩٩٥). میزان الاعتدال فی نقد الرجال، تحقیق: الشیخ علی محمد معوض و الشیخ عادل أحمد عبدالموجود، بیروت: دار الکتب العلمیة، الطبعة الأولى.

اطعام عزاداران به دست بستگان میت: بررسی مبانی و آرای علمای اهل سنت / ۲۴۱

سجستانی، سلیمان بن الأشعث (۱۴۲۰). مسائل الامام أحمد، تحقیق: أبی معاذ طارق بن عوض الله بن محمد، مصر: مكتبة ابن تیمیة، الطبعة الأولى.

شبكة صحاب السلفية (۲۰۰۴/۰۳/۱۰). در: www.sahab.net

الشيباني (ابن اثیر)، علی بن محمد (۱۴۱۵). الكامل فی التاريخ، تحقیق: عبدالله القاضي، بیروت: دار الكتب العلمية، الطبعة الثانية.

الصنعاني، أبو بكر عبدالرزاق بن همام (۱۴۰۳). مصنف عبدالرزاق، تحقیق: حبيب الرحمن الأعظمی، بیروت: المكتب الاسلامی، الطبعة الثانية.

طبرانی، سلیمان بن أحمد (۱۴۰۴). المعجم الكبير، تحقیق: حمدي بن عبدالمجيد السلفی، الموصل: مكتبة الزهراء، الطبعة الثانية.

طحاوی، أحمد بن محمد (۱۳۱۸). حاشية الطحاوی على مراقی الفلاح، بولاق مصر: المطبعة الكبرى الأميرية، الطبعة الثالثة.

عینی، بدر الدین محمود بن أحمد (بی تا). عمدة القاری، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

اللجنة الدائمة للبحوث العلمية والافتاء فی السعودية (بی تا). فتاوى اللجنة الدائمة، المجموعة الأولى، جمع و ترتيب: أحمد بن عبدالرزاق الدويش، بی جا: بی نا.

مجمع اللغة العربية بالقاهرة (بی تا). المعجم الوسيط، المؤلفون: إبراهيم مصطفى، أحمد الزيات، حامد عبدالقادر، محمد النجار، بی جا: دار الدعوة.

منبجی حنبلی، أبی عبدالله محمد بن محمد (۱۹۸۶). تسلیة أهل المصائب، بیروت: دار الكتب العلمية، الطبعة الأولى.

وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية الكويت (۱۴۰۴). الموسوعة الفقهية الكويتية، كويت: وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية الكويت.

هیثمی، علی بن أبی بكر (۱۴۰۷). مجمع الزوائد، القاهرة/ بیروت: دار الريان للتراث/ دار الكتاب العربی.